

مجله زبانشناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی- پژوهشی، شماره پیاپی ۹- پاییز و زمستان ۱۳۹۲

مهدیس زورورز (دانشجوی کارشناسی ارشد زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

دکتر آزیتا افراشی (دانشیار زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)<sup>۲</sup>

دکتر سید مصطفی عاصی (استاد زبانشناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)<sup>۳</sup>

## استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره‌مدار

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی استعاره‌های مفهومی حوزه شادی در پیکره‌ای نمونه از زبان فارسی می‌پردازد. در این پژوهش، تلاش شده با بهره‌گیری از پایگاه دادگان زبان فارسی، پیکره‌ای از متون نوشتاری زبان فارسی معاصر که شباهت بیشتری به زبان روزمره سخنوران دارد، نمونه‌گیری و سپس استعاره‌های مفهومی از آن استخراج گردد. این پیکره نمونه شامل ۱۴ متن از نویسندگان معاصر نظیر «هدایت»، «نقیسی»، «دانشور»، «آل‌احمد»، «اسلامی‌ندوشن»، «ابراهیمی»، «دهخدا»، «پزشک‌زاد»، «چوبک»، «کسروی»، «افغانی»، «محمود»، «حجازی» و «گلستان» می‌باشد. پس از مطالعه پیکره، موفق به استخراج ۲۹۷ مورد عبارت استعاری در ۳۳ نگاشت نام شدیم. سپس تلاش شد تا پربسامدترین نگاشت‌های استعاری و پربسامدترین حوزه‌های مبدأ که در ساخت استعاره‌های شادی به کار می‌روند، تعیین گردد و در مجموع با توجه به یافته‌های پیکره‌ای مشخص گردد که فارسی‌زبانان بیشتر از چه حوزه‌های مبدأ و نگاشت‌نام‌هایی برای بیان مفهوم شادی بهره می‌برند. برای مثال مشخص گردید که حوزه‌های مبدأ «شیء»، «ماده» و «عمل» پرکاربردترین حوزه‌های مبدأ پیکره هستند که برای بیان حوزه شادی به کار می‌روند. در نهایت نیز مقایسه‌ای میان استعاره‌های مفهومی حوزه شادی در دو زبان فارسی و انگلیسی انجام گرفت.

**کلیدواژه‌ها:** معنی‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، عواطف، تحلیل پیکره‌مدار، شادی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۲۵ پذیرفته: ۱۳۹۳/۴/۱۷

پست الکترونیکی: 1. mahdis\_zoorvarz@yahoo.com 2. azita.afraشي@yahoo.com

3. s\_m\_assi@ihcs.ac.ir

## ۱- مقدمه

نظریه استعاره مفهومی با انتشار کتاب *استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم*<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) اثر لیکاف و جانسون<sup>۲</sup> مطرح شد و جان تازه‌ای در مطالعات معنی‌شناختی، به ویژه معنی‌شناسی شناختی دمید. این رویکرد به تمایز میان نگاه سستی به استعاره به عنوان ابزاری آرایه‌ای و نگاه جدید به عنوان یک ساز و کار ذهنی انجامید و نشان داد که استعاره‌های مفهومی چنان در زبان روزمره فراگیر هستند که سخنوران از وجود آن‌ها بی‌اطلاع‌اند.

امروزه مطالعه در حوزه عواطف از اهمیت زیادی در زبان‌شناسی شناختی برخوردار است و مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان این حوزه قرار گرفته است؛ از جمله آثار یو<sup>۳</sup> (۱۹۹۵)، کووچس<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) و ویرژیکا<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) قابل ذکر است. توجه به رابطه عواطف و زبان از این اندیشه سرچشمه می‌گیرد که ارتباطات بشر همواره از افکار و احساسات او تأثیر می‌پذیرد و شناخت و عواطف، هم بر تعاملات اجتماعی تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌گیرد. عواطف مبنای ارتباط است و ارتباط به دقیق‌ترین شکل در قالب زبان تحقق می‌یابد (افراشی، ۲۰۱۱).

از آنجایی که حوزه مفهومی عواطف معمولاً ویژگی‌های بارز فرهنگی و قوم‌شناختی را نشان می‌دهد، در پژوهش‌های بین‌زبانی و بین‌فرهنگی از اهمیت بسیاری برخوردار است و ابزار مناسبی برای جستجو در جهان‌بینی یک فرهنگ به شمار می‌آید. پژوهش حاضر نیز به مطالعه پیکره‌ای حوزه شادی در زبان فارسی پرداخته است که از طریق آن می‌توان به شناخت و چگونگی مفهوم سازی شادی در میان فارسی‌زبانان و نظام ذهنی سخنوران فارسی‌زبان دست یافت. به این ترتیب پرسش اصلی در مقاله حاضر این است که در یک تحلیل پیکره‌مدار در زبان فارسی، پرسامدترین نگاهت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ برای بیان و ساخت استعاری شادی کدام‌اند؟

1 *Metaphors We Live By*

2 G. Lakoff & M. Johnson

3 N. Yu

4 Z. Kövecses

5 A. Wierzbicka

## ۲- پیشینه مطالعات

والتینا اپرسیان<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) به بررسی استعاره‌های عواطف و مفهوم‌سازی بین‌زبانی از عواطف پرداخته است. کووچش (۲۰۰۰) در کتاب خود با عنوان *استعاره و زبان عواطف* به معرفی استعاره‌های مفهومی عواطف که شادی نیز جزئی از آنهاست می‌پردازد. ویرژییکا (۲۰۰۹) عواطف را در ارتباط با مفاهیم بنیادی بررسی کرده است. در استعاره‌های حوزه عواطف در مطالعات ایرانی، افراشی (۲۰۱۱) احساس شرم را در زبان فارسی از منظر شناختی و فرهنگی در چارچوب نظریه ان.اس.ام.<sup>۲</sup> (فرا زبان معنایی طبیعی) مورد مطالعه قرار داده است.

همچنین، پیرزاد، پاژخ و حیاتی (۲۰۱۲) به بررسی مقایسه‌ای استعاره‌های مفهومی عواطف بنیادین در متون ادبی انگلیسی و فارسی پرداخته‌اند. افراشی و مقیمی زاده (۱۳۹۱) نیز استعاره‌های مفهومی حوزه شرم را با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی معرفی کرده‌اند.

در استعاره‌های حوزه شادی در مطالعات غربی، کووچش (۱۹۹۱) دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: اول توصیف مفهوم شادی و دوم نشان دادن اینکه شادی چه چیزهایی را دربر می‌گیرد. بخش اعظم این مقاله، مشخص کردن استعاره‌های مفهومی شادی بر اساس نظریات لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) است. نینگ یو (۱۹۹۵) به بررسی عبارات‌های استعاری خشم و شادی در انگلیسی و چینی می‌پردازد و نشان می‌دهد که هم انگلیسی و هم چینی برای مفهوم‌سازی شادی از حوزه‌های مبداء «جهت (بالا)»، «نور» و «ظرف» استفاده می‌کنند، گرچه در برخی موارد نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. این بررسی نشان می‌دهد که استعاره‌های خشم و شادی عمدتاً بر مبنای تجربیات جسمانی مشترک با تفاوت اندکی میان زبان‌ها بیان می‌شوند، که این تفاوت‌های اندک از دیدگاه فرهنگی قابل تبیین هستند. کووچش (۲۰۰۸) چهار مؤلفه را به لحاظ شناختی در شکل‌گیری مفاهیم عاطفی از جمله شادی به طور عام دخیل می‌داند: ۱- استعاره‌های مفهومی؛ ۲- مجازهای مفهومی<sup>۳</sup>؛ ۳- مفاهیم وابسته<sup>۴</sup>؛ ۴- انگاره‌های شناختی<sup>۵</sup>. وی ضمن برشمردن هر یک از این اجزا در شکل‌گیری مفهوم شادی معتقد است که از مجموع سه جزء اول، انگاره‌های شناختی و فرهنگی

1V. Apresjan

2 N.S.M: Natural Semantic Metalanguage

3 conceptual metonymy

4 related concepts

5 cognitive models

شکل می‌گیرند و مفهوم شادی حاصل بازنمود شناختی این انگاره است (کووچش، ۲۰۰۸: ۱۴۱). پایلی چن<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) شادی را یکی از عواطف بنیادین بشر معرفی می‌کند و اصطلاحات استعاری شادی را در زبان‌های چینی و انگلیسی مورد بررسی قرار می‌دهد. خیائولیو<sup>۲</sup> و گودونگ ژائو<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) نیز به مقایسه استعاره‌های عواطف بین انگلیسی و چینی پرداخته‌اند.

در زمینه مطالعه استعاره‌های حوزه شادی در مطالعات غربی با رویکردی بیکره‌ای می‌توان به آثار استفانوویچ<sup>۴</sup> (۲۰۰۴)، تئودوروپولو<sup>۵</sup> (۲۰۰۸)، تیساری<sup>۶</sup> (۲۰۰۸) و العابد الحق<sup>۷</sup> و الشریف<sup>۸</sup> (۲۰۰۸) نیز اشاره کرد.

### ۳- مبانی نظری

#### ۳-۱ استعاره مفهومی

از زمان تولد زبان‌شناسی شناختی در دهه ۷۰ میلادی، استعاره همواره به عنوان موضوع کانونی این حوزه مطرح بوده است، چراکه به شکلی واضح به بیان رابطه میان ذهن و زبان می‌پردازد. نقطه آغاز نگاه جدید به استعاره در حوزه زبان‌شناسی شناختی را می‌توان رویکردی دانست که لیکاف و جانسون در کتاب *استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم* (۱۹۸۰)، مطرح کردند و از آن زمان به بعد توسط زبان‌شناسان شناختی نظیر سوییتسر<sup>۹</sup> (۱۹۹۰)، ترنر<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۱) و کووچش (۲۰۰۲) دنبال شد. این رویکرد جدید در تقابل با نگاه سنتی به مقوله استعاره قرار داشت که آن را به عنوان ابزاری آرایه‌ای در نظر می‌گرفت. در رویکرد جدید استعاره از ویژگی‌های عملکرد ذهن در نظر گرفته می‌شود که به منظور درک مفهومی انتزاعی از طریق مفهومی تجربه‌پذیر صورت می‌پذیرد (گرادی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۷: ۱۸۹).

1 P. Chen

2 X. Liu

3 G. Zhao

4 A. Stefanowitsch

5 M. Theodoropoulo

6 H. Tissari

7 F. Al-Abed Al-Haq

8 A. El-Sharif

9 E. Sweetser

10 M. Turner

11 J.E. Grady

استعاره‌های مفهومی در سطح ذهن مورد بررسی قرار می‌گیرند و همگی آنها باز نمود زبانی نمی‌یابند، بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و نمادها نیز تجلی می‌یابند (کووچش، ۲۰۱۰: ۶۳). استعاره‌ها به عنوان ابزاری جهت ارتباط میان دو اندیشه مختلف عمل می‌کنند. زبان‌شناسان به دنبال کشف نحوه عملکرد استعاره‌ها در ذهن از طریق باز نمودهای زبانی آن می‌باشند. آنها الگوهای موجود در ساختار مفهومی واژه‌ها و عبارات استعاری را به عنوان شاهدی جهت وجود استعاره‌های مفهومی نهفته در ذهن می‌دانند. استین<sup>۱</sup> (۱۹۹۴)، استعاره‌های نهفته در ذهن را استعاره‌های مفهومی و نمود زبانی آنها را استعاره‌های زبانی<sup>۲</sup> می‌نامد. به این ترتیب، استعاره‌های زبانی باز نماینده استعاره‌های ذهنی هستند (دینان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵: ۱۴). در این پژوهش نیز این تمایز رعایت شده است. "هر استعاره مفهومی دارای یک حوزه مبدأ، یک حوزه مقصد و یک نگاشت مبدأ بر مقصد است" (لیکاف، ۱۹۸۷: ۲۷۶). به بیان دیگر، ساختار درونی استعاره‌های مفهومی به این شکل است که همواره دو حوزه در آنها ایفای نقش می‌کند. یک حوزه مفاهیم خود را ارائه می‌دهد که به آن حوزه مبدأ می‌گوییم و حوزه دیگر مفاهیم ارائه شده را دریافت می‌کند که آن را حوزه مقصد می‌نامیم (افراشی، حسامی و سالاس، ۱۳۹۱: ۶). حوزه مبدأ معمولاً عینی تر و ملموس تر از حوزه مقصد است که - نسبت به حوزه مبدأ معمولاً - ذهنی تر و انتزاعی تر می‌باشد. عبارتی که بیانگر یک استعاره مفهومی می‌باشد، نگاشت نام<sup>۴</sup> می‌خوانیم. اساسی ترین مسئله مطرح شده در نظریه استعاره مفهومی، نگاشت<sup>۵</sup> است. این اصطلاح از حوزه ریاضیات به عاریت گرفته شده است و به انطباق‌های استعاری میان مفاهیم مرتبط به هم اشاره دارد (گرادی، ۲۰۰۷: ۱۹۰).

### ۲-۳ عواطف و استعاره

بررسی علمی عواطف با آرای چارلز داروین<sup>۶</sup> (۱۸۷۲)، زیست‌شناس انگلیسی، در باب تکامل عواطف و احساسات آغاز گشت. او معتقد بود که عواطف، پاسخ‌هایی سازگار<sup>۷</sup> به شرایط محیطی هستند. از این

1 G. Steen

2 Linguistic metaphors

3 A. Deignan

4 name of the mapping

5 mapping

6 Ch. Darwin

7 Adaptive responses

دیدگاه، احساس لذت و رنجش هردو واکنش‌های بارز عاطفی هستند که در رفتار تمامی پستانداران نمود دارند (استاینر<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۱) و در تکامل موجودات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند (کرینگلباخ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). در واقع هم عواطف مثبت و هم عواطف منفی دارای کارکردهای تطبیقی<sup>۳</sup> هستند (نیس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴). تکامل احساسات نیز رویه‌ای مرحله به مرحله است؛ بدین ترتیب که احساسات پیچیده از ترکیب احساسات پایه شکل می‌گیرند. بر پایه یکی از مدل‌های تکامل عاطفی (لویس<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷) نوزادان بلافاصله بعد از تولد نشانه‌هایی را از احساس رضایت، علاقه و ناراحتی نشان می‌دهند. طی شش ماه بعد، این عواطف به صورت احساس لذت، حیرت، بی‌زاری، خشم و ترس تکامل می‌یابند. تکامل این احساسات در پاسخ به وقایع معناداری است که برای کودک رخ می‌دهد و نتیجه رشد سیستم عصبی نوزاد است. به اعتقاد برخی پژوهشگران رابطه بین رشد مغز و تکامل عواطف رابطه‌ای دو سویه است؛ بدین صورت که تجربیات عاطفی نتیجه رشد مغز هستند و از سویی دیگر عواطف می‌توانند بر ساختار مغز تاثیر بگذارند (املوت<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸؛ اسراف<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷).

تحقیقات بین‌فرهنگی که با مقایسه زبان‌ها در حوزه عواطف صورت گرفته، نشان داده که بنیادی‌ترین مقولات عاطفی، شادی، غم، خشم، ترس و عشق هستند (کوچش، ۲۰۰۰: ۲۰) و به لحاظ شناختی، رشد عاطفی فرآیندی تدریجی است که طی آن عواطف ساده‌تر مبنای شکل‌گیری عواطف پیچیده‌تر واقع می‌شوند.

کوچش بر نقش اصلی زبان در پرده برداشتن از تصورات و باورهای مردم یعنی دانش مشترک آنها از تجارب بشری و به ویژه تجارب عاطفی تأکید دارد. به عقیده او زبان عواطف تصویری غنی و پیچیده را از آنچه که هنگام تجربه یک حالت عاطفی روی می‌دهد، می‌نمایاند. وی بر این باور است که زبانی که سخن‌گویان یک زبان برای صحبت کردن درباره تجربه‌های عاطفی خود به کار می‌برند مملو از استعاره است. او همچنین عقیده دارد که تنها از طریق استعاره است که زبان عواطف قادر به تجسم و توصیف

---

1 J. E. Steiner

2 M.L. Kringelbach

3 Adaptive functions

4 R. M. Nesse

5 M. Lewis

6 C. Mlot

7 L. A. Sroufe

تجربه‌های عاطفی گوناگون و ناملموس می‌شود (کووچش، ۲۰۰۰: ۲-۱۹۱). او بر این باور است که زبان تنها منعکس‌کننده عواطف نیست بلکه آن‌ها را نیز می‌سازد. بر این اساس "ما آنچه را که احساس می‌کنیم به زبان می‌آوریم و آنچه را که می‌گوییم احساس می‌کنیم" (همان: ۱۹۲). مفاهیم عاطفی یکپارچه نیستند بلکه هر احساس در بردارنده انگاره‌های فرهنگی متفاوتی است (همان: ۱۸۸).

### ۳-۳ استعاره‌های شادی در فرهنگ

از پایان دهه نود میلادی به بعد علاوه بر جنبه‌های روان‌شناختی معنی که به وجوه اشتراک درک، تولید و انتقال معنی نزد همه انسان‌ها و در همه جوامع زبانی می‌پرداخت، گرایش‌های جدیدی در معنی‌شناسی شناختی بالیدن گرفت. یکی از این گرایش‌ها مطالعه معنی با توجه به نقش فرهنگ است که بر اساس جنبه‌های اجتماعی و مردم‌شناسانه شناخت در تحلیل‌های معنایی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این گرایش جدید، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر معانی در حوزه‌هایی همچون عواطف، رنگ‌ها، مصنوعات و تولیدات بشر، طبقه‌بندی جوامع انسانی از پدیده‌های زیست‌محیطی و جز آن مورد توجه قرار دارد (افراشی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). کووچش (۲۰۱۰) دو عامل را برای توجیه این تنوعات معرفی می‌کند: ۱. «بافت فرهنگی» که به مفاهیم و قوانین حاکم بر یک فرهنگ اشاره دارد؛ ۲. «محیط مادی و طبیعی» که فرهنگ در آن شکل می‌گیرد.

از آنجایی که زبان‌شناسان شناختی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) بر این باورند که استعاره چیزی است برخاسته از ذهن، مغز و تن (اشاره به مبانی تن‌مدارانه<sup>۱</sup> تحلیل‌های شناختی)، بر این اساس بسیاری از کسانی که با نظریه استعاره لیکاف و جانسون آشنا هستند انتظار دارند که اکثر استعاره‌های مفهومی جهانی باشند. حتی برخی زبان‌های نامرتبب ممکن است در استعاره مفهومی برای بیان مفاهیم عاطفی خاص مشترک باشند. یکی از این مفاهیم عاطفی شادی است. در زبان انگلیسی تعداد زیادی استعاره مفهومی در خصوص احساس شادی وجود دارد (کووچش، ۱۹۹۱)، اما سه مورد از آنها برجسته‌ترند. این استعاره‌ها عبارتند از: [شادی بالا است]، [شادی نور است] و دیگری [شادی سیالی در ظرف است]. زبان‌شناس چینی، نینگ یو (۱۹۹۵) نیز دقیقاً همین استعاره‌های مفهومی را در زبان چینی پیدا کرد.

بر اساس آرای کووچش (۲۰۰۵)، استعاره‌ها در سطح عام<sup>۱</sup>، تقریباً جهانی‌اند و در سطح خاص<sup>۲</sup> بر حسب نوع زبان و فرهنگ متفاوتند. برای مثال، [شادی بالا است]<sup>۳</sup> یک نوع استعاره عام است که صورت خاص این استعاره در انگلیسی [شادی فاصله داشتن از زمین است]<sup>۴</sup> می‌باشد. بنا به گفته نینگ یو (۱۹۹۵) استعاره فاصله داشتن از زمین در زبان چینی وجود ندارد. او همچنین خاطر نشان کرد که زبان‌های انگلیسی و چینی در حوزه‌های مبدأ پایه‌ای نظیر بالا بودن، نور و سیالی در ظرف مشترک‌اند، اما بعنوان مثال استعاره [شادی گلی در قلب است] در زبان انگلیسی وجود ندارد (پیرزاد، پاژخ و حیاتی، ۲۰۱۲: ۲۰۱). در بخش ۴-۴ در این مورد بیشتر توضیح داده خواهد شد.

#### ۴- تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر ۲۹۷ عبارت حاوی استعاره مفهومی شادی یافت شد. پیکره مورد نظر از پایگاه دادگان زبان فارسی از میان ۱۴ متن فارسی معاصر استخراج شده است. از میان روش‌های مرسوم برای استخراج استعاره‌های مفهومی از درون پیکره سه روش متداول‌تر می‌باشند که عبارتند از: ۱- جستجوی دستی؛ ۲- جستجو به دنبال واژه‌های حوزه مقصد؛ ۳- جستجو به دنبال واژه‌های حوزه مبدأ. از آنجا که هر یک از این روش‌ها به تنهایی جوابگوی نیاز پژوهش نبودند و روش جستجوی دستی نیز به دلیل حجم زیاد پیکره قابل انجام نبود؛ در نتیجه، شیوه جستجو و استخراج داده‌ها از طریق حوزه‌های مبدأ و مقصد برگزیده شد. در این روش پژوهشگران ابتدا با کمک رایانه برخی واژه‌های حوزه مقصد نظیر *شادی*، *شعف*، *نشاط*، *سرور*، *وجد* و *خوشحالی* و غیره را جستجو و با استفاده از تحلیل‌های دستی اقدام به استخراج جملات دربردارنده استعاره مفهومی نمودند. در خلال بررسی این جملات، پژوهشگران با حوزه‌های مبدأ متداولی روبرو گشتند که برای بیان استعاری مفهوم شادی به کار رفته بودند. از این‌رو تصمیم گرفته شد تا از این حوزه‌های مبدأ به عنوان کلیدواژه برای جستجوی جملات دربردارنده استعاره‌های مفهومی استفاده گردد. برخی از این کلیدواژه‌ها عبارت بودند از: *گرم*، *پر (بن مضارع پریدن)*،

1 generic level

2 specific level

3 [ Happiness is up ]

4 [ Happiness is being off the ground ]



مست و برق و جز این. همچنین نگارندگان در خلال کار پیکره‌ای و بررسی جملات دربردارنده استعاره‌های مفهومی شادی به برخی واژه‌های مرتبط نظیر *سیر، آسمان، دل، چشم و غنچ* و نظایر آن برخورد کردند که در این جملات تکرار می‌شدند. بنابراین تصمیم بر آن شد تا از این کلیدواژه‌ها نیز برای جستجو و استخراج هرچه بیشتر موارد استعاری بهره گرفته شود که در نهایت نتایج درخور توجهی هم از این رهگذر حاصل شدند. در گام بعدی این جملات با استفاده از رایانه فهرست‌گیری و سپس با تحلیل‌های دستی، جملات دربردارنده استعاره‌های مفهومی استخراج گردید. در پایگاه دادگان زبان فارسی این امکان وجود دارد که پژوهشگر به هنگام استفاده از فهرست واژه‌نما جستجوی خود را از واژه مورد نظر تا همان واژه به علاوه پسوند "ی" انجام دهد. این شیوه باعث می‌شود تا تمامی صورت‌های آن واژه در فهرست واژه‌نما ظاهر شوند. برای مثال اگر پژوهشگر کلیدواژه خود را از واژه "شاد" تا "شادی" قرار دهد صورت‌هایی همچون: شادی‌ها، شادی‌اش، شادمان، شاداب، شادکام، شادروان و... نیز در فهرست واژه‌نما ظاهر می‌گردند. این امکان باعث افزایش سرعت و دقت در جستجوها می‌شود.

لازم به ذکر است که در انتخاب متون، سعی شده تا از متون معاصر زبان فارسی بهره برده شود و نثر آن دسته از نویسندگانی برگزیده شود که ساده و روان بوده و شباهت بیشتری به آنچه که در زبان روزمره می‌گذرد، داشته باشند. به منظور ایجاد پیکره‌ای متوازن که از تنوع نسبتاً قابل قبولی برخوردار باشد، مجموعه‌ای از ۱۴ متن انتخاب شد. چنانچه مشاهده می‌شود متون مورد بررسی بازه زمانی را از اوایل دهه ۳۰ تا اواخر دهه ۶۰ دربر می‌گیرند. همچنین به لحاظ سبک و سیاق و نوع ژانر ادبی این متون از تنوع قابل توجهی برخوردارند که این مسئله به ایجاد توازن در پیکره کمک می‌کند. این ۱۴ متن که از پایگاه دادگان زبان فارسی استخراج شد، عبارتند از: *اسرار گنج دره جنی (گلستان، ۱۳۵۴)*، *انتری که لوطیش مرده بود (چوبک، ۱۳۴۴)*، *بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم (ابراهیمی، ۱۳۴۵)*، *بوف کور (هدایت، ۱۳۱۵)*، *پریچهر (حجازی، ۱۳۰۸)*، *سخن‌ها را بشنویم (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۹)*، *سووشون (دانشور، ۱۳۴۸)*، *تات نشین‌های بلوک زهرا (آل‌احمد، ۱۳۳۷)*، *تاریخ مشروطه ایران (کسروی، ۱۳۱۹)*، *چرند و پرند (دهخدا، ۱۳۴۳)*، *همسایه‌ها (محمود، ۱۳۵۷)*، *شوهر آهو خانم (افغانی، ۱۳۴۰)*، *ستارگان سیاه (نقیسی، ۱۳۱۷)* و *دائی جان ناپلئون (پزشک‌زاد، ۱۳۴۹)*.

در گام بعد، نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ شادی تعیین و نسبت به بسامدگیری آنها اقدام شد.

در خلال پژوهش این نتیجه حاصل شد که طبقه بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) از انواع استعاره‌های مفهومی و همچنین نحوه تعیین نگاشت‌نام‌ها، با کمبودهایی روبروست و پژوهشگران را با یک مشکل روبرو می‌کند:

۱. عدم وجود معیاری مشخص در تعیین نوع نگاشت‌نام؛

برای مثال جمله زیر را در نظر بگیرید:

• عاقبت خبر رسید که شب سالگرد تولد پوری، جشن و سرور لیسانس هم به پا خواهد شد

(پزشک‌زاد، ۱۳۴۹: ۱۸).

به وضوح نمی‌توان گفت که نگاشت‌نام نهفته در این جمله [شادی جشن است] می‌باشد و یا اینکه باید نگاشت‌نام عام‌تر [شادی مناسبت است] در نظر گرفته شود. این سردرگمی در مواجهه با حجم عظیمی از داده‌ها و مقایسه موارد مشابه دو چندان می‌گردد. در این پژوهش تلاش شده است تا عام‌ترین حوزه مبدأ ملاک تعیین نگاشت‌نام قرار گیرد، بنابراین برای مثال بالا نگاشت‌نام [شادی مناسبت است] برگزیده می‌شود.

#### ۴-۱ نگاشت‌نام‌های شادی

از میان ۲۹۷ عبارت حاوی استعاره‌های مفهومی حوزه شادی در پیکره مورد بررسی، ۳۳ نگاشت-نام یافت شد. پربسامدترین نگاشت‌نام [شادی شیء است] با ۹۱ مورد بسامد وقوع بود و نگاشت‌نام‌های [شادی ماده است] با ۵۸ مورد، [شادی عمل است] با ۳۰ مورد وقوع، [شادی نور است] با ۲۹ مورد وقوع و [شادی نیرو است] با ۱۷ مورد بسامد وقوع در رده‌های بعدی قرار داشتند.

در جدول ۴-۱ نگاشت‌نام‌های حوزه شادی، همراه با بسامد وقوع هر یک معرفی شده‌اند و برای

هر نگاشت‌نام نمونه‌هایی ارائه شده است:

## جدول ۴-۱ نگاشت‌نام‌های حوزه شادی

نگاشت‌نام	تکرار در پیکره	نگاشت‌نام	تکرار در پیکره
شادی شیء است	۹۱	شادی مسیر دارای مرتبه است	۲
شادی ماده است	۵۸	شادی مناسبت است	۲
شادی عمل است	۳۰	شادی دیوانگی است	۲
شادی نور است	۲۹	شادی سرزندگی است	۲
شادی نیرو است	۱۷	شادی نیرویی طبیعی است	۱
شادی مکان است	۹	شادی بودن در بهشت است	۱
شادی پرواز کردن است	۸	شادی بنا است	۱
شادی سیالی در ظرف است	۶	شادی بند/زنجیر است	۱
شادی گرما است	۵	شادی رایحه است	۱
شادی انسان است	۵	شادی رود است	۱
شادی نوشیدنی سکرآور است	۴	شادی (رویش) گیاه است	۱
شادی ظرف است	۳	شادی زمان است	۱
شادی شیرینی است	۳	شادی مایع داغ است	۱
شادی باز بودن است	۳	شادی منبع سرما است	۱
شادی جانور است	۲	شادی شکفتن است	۱
شادی رنگ است	۲	شادی آب است	۱
شادی نوشته است	۲		

## • [شادی شیء است]

۱- در فرهنگ گذشته ما غم ستوده شده است، لیکن منظور از آن غم‌های بزرگ است که می‌تواند

شادی‌های بزرگ را نیز در کنار خود برآورد (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۹: ۱۳۵).

## • [شادی ماده است]

۲- دسته دسته به پیشواز می شتافتند و شور و شادی بسیار می نمودند. تهران یکی از روزهای کم مانندی به خود می دید (کسروی، ۱۳۱۹: ۱۹۰).

• [شادی عمل است]

۳- دور و برش کودکان دلبندی که بی خیال از هر غم و نگرانی بازی و شادی می کردند و بزرگ می شدند (افغانی، ۱۳۴۰: ۵۰).

• [شادی نور است]

۴- حس کردم که سیه چشم از دیدنم خوشحال شده است. چشمانش - که آدم را به دوست داشتن و پرستیدن دعوت می کند- برق زد (محمود، ۱۳۵۷: ۱۲۹).

• [شادی نیرو است]

۵- پسرک از خوشحالی در پوستش نمی گنجید، چنانکه تیر و کمانش را جا گذاشت (دانشور، ۱۳۴۸: ۲۷۸).

• [شادی مکان است]

۶- ما بزرگترین دروازه‌های شادمانی را به کودکی بازمی کردیم (ابراهیمی، ۱۳۴۵: ۲۳).

• [شادی پرواز کردن است]

۷- تخم مرغ بازی می کنیم. بین شصت نفر قهرمان می شوم. تشویق می کنند. پرمی کشم. تو پوست خودم نمی گنجم (محمود، ۱۳۵۷: ۸۰).

• [شادی سیالی در ظرف است]

۸- جیغ می کشیدند و مثل نسیم بهاری همه جا را از شادی و نشاط بی غش لبریز می کردند (افغانی، ۱۳۴۰: ۳۶).

• [شادی گرما است]

۹- اما در تمام هستی خودم ذوق سرشار و حرارت مفرطی حس می کردم، یک جور ویر و شور مخصوصی بود (محمود، ۱۳۵۷: ۵۰).

• [شادی انسان است]

۱۰- این نیروی ناشناس خود را زمانی با شادی وصل و روزگاری با سوز هجران همنشین می‌کند (نقیسی، ۱۳۱۷: ۱۳۳).

• [شادی نوشیدنی سکرآور است]

۱۱- مست نشاط شدم (حجازی، ۱۳۰۸: ۳۳).

• [شادی ظرف است]

۱۲- آن که در کاسه نشاط ما زهر می‌ریزد معشوق نیست (حجازی، ۱۳۰۸: ۱۰۰).

• [شادی شیرینی است]

۱۳- سه گروه اشخاص همیشه در رأس کسانی خواهند بود که از این وضع قند توی دلشان آب شود (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۹: ۴۲).

• [شادی باز بودن است]

۱۴- از شنیدن این حرف جبهه‌اش باز شد (حجازی، ۱۳۰۸: ۶۳).

• [شادی رنگ است]

۱۵- صداس همراه با خوشی آشنائی که به نگاهش رنگ شادی می‌دهد، به گوشم می‌نشیند (محمود، ۱۳۵۷: ۷۴).

• [شادی جانور است]

۱۶- لذت و شادکامی مثل کرمک‌های شب‌فروز چمن از چپ و راست دور و برش می‌پریدند و به هوس‌های دلفریب خود دعوتش می‌کردند (افغانی، ۱۳۴۰: ۴۰).

• [شادی نوشته است]

۱۷- گاهی یک سلسله مراسلاتست که از میان سطرها و فاصله‌های آن گاهی شادی دیدار و گهی ناله‌ی جدایی را می‌توان خواند (نقیسی، ۱۳۱۷: ۱۱۶).

• [شادی مناسبت است]

۱۸- عاقبت خبر رسید که شب سالگرد تولد پوری جشن و سرور لیسانس هم به پا خواهد شد (پزشک‌زاد، ۱۳۴۹: ۱۸).

• [شادی دیوانگی است]

۱۹- حاجی صادق‌نامی از شادمانی یک دیوانگی از خود می‌نمود، و آن‌اینکه دو پسر نورس خود را... (کسروی، ۱۳۱۹: ۱۸۱).

• [شادی سرزندگی است]

۲۰- این کلمه مرا بیشتر به او حریص می‌کرد. بیشتر او را سرزنده و پرحرارت به من جلوه می‌داد (هدایت، ۱۳۱۵: ۸۸).

• [شادی نیرویی طبیعی است]

۲۱- و از شادی و هیجان عمومی طوفانی پدید آوردند که تا... (افغانی، ۱۳۴۰: ۴۷).

• [شادی مسیر دارای مرتبه است]

۲۲- مدت‌ها این مراودت در میان ما برقرار بود. چه چیزها که هنگام تفریح به یکدیگر نگفتیم! چه مراتب شوق و امید را با یکدیگر نیمودیم! (نفیسی، ۱۳۱۷: ۱۴۳).

• [شادی بودن در بهشت است]

۲۳- اسدالله میرزا از شادی در بهشت سیر می‌کرد (پزشک‌زاد، ۱۳۴۹: ۳۶۴).

• [شادی بنا است]

۲۴- هلیا... در پایدارترین شادی‌ها نیز غمی نهفته است (ابراهیمی، ۱۳۴۵: ۳۱).

• [شادی بند/زنجیر است]

۲۵- ایرانی مدت‌هاست که گاهی اسیر شادمانی و زمانی قرین اندوه چون دوشیزه‌ای گلچهره (نفیسی، ۱۳۱۷: ۶).

• [شادی رایحه است]

۲۶- غریبه‌هایی که معمولاً خبری از ایشان نیست مگر بوی جشن و سروری برخیزد (آل‌احمد، ۱۳۳۷: ۵۴).

• [شادی رود است]

۲۷- و در این حال با خوشحالی ساده و بی‌غلّ و غشی که از ایمان‌وی سرچشمه می‌گرفت (افغانی، ۱۳۴۰: ۱۰۷).

• [شادی (رویش) گیاه است]

۲۸- درختان انبوه بادام از شکوفه رخت سفید پوشد، فرسخ در فرسخ زمین همه سبز و شاداب و هوا همه پر از گل و شکوفه (کسروی، ۱۳۱۹: ۲۰۸).

• [شادی زمان است]

۲۹- مثل اینکه غریزه به آنها خبر داده بود که روزهای برف و باران سپری شده و موسم شادی و سرمستی فرا رسیده است (افغانی، ۱۳۴۰: ۱).

• [شادی مایع داغ است]

۳۰- داشت دور حیاط به گشت می‌افتاد. بچه‌های او که شادی و گرمای زندگی در زیر پوستشان می‌جوشید، قاطی با همسالان خود آفتاب مهتاب بازی می‌کردند (افغانی، ۱۳۴۰: ۳۵).

• [شادی منبع سرما است]

۳۱- در میهمانی‌های او مردان را راهی نبود؛ بنابراین شرکت کنندگان که همه از یک جنس بودند می‌توانستند به هر شکلی که بخواهند از شادی داغ دل‌بستانند (افغانی، ۱۳۴۰: ۴۹).

• [شادی شکفتن است]

۳۲- که ناگهان تکانی خورد، ساکن ماند، یک خنده توی چشم‌هایش برق انداخت، از هم شکفت، آرام سر جنباند، با چشم‌های حیل و اطمینان به شوهرش رو کرد و گفت: "وعده‌اش بگیر." (گلستان، ۱۳۵۴: ۳۸).

• [شادی آب است]

۳۳- اسدالله میرزا که خنده و شادی در صورتش موج می‌زد، گفت [...] (پزشک‌زاد، ۱۳۴۹: ۳۶۴).

### ۲-۴ حوزه‌های مبدأ در ساخت استعاره‌های شادی

یافته‌های پیکره‌ای نشان داد که پربسامدترین حوزه مبدأ که برای مفهوم‌سازی شادی به کار می‌رود، «شیء» با ۹۱ مورد وقوع در پیکره است و حوزه‌های مبدأ «ماده» با ۵۸ مورد وقوع، «عمل» با ۳۰ مورد وقوع، «نور» با ۲۹ مورد وقوع و «نیرو» با ۱۷ مورد وقوع به ترتیب در رده‌های بعد قرار دارند. جدول ۲-۴ بسامد وقوع حوزه‌های مبدأ را در ساخت استعاره‌های شادی نشان می‌دهد که حوزه‌های مبدأ «شیء» و «ماده» از بیشترین بسامد وقوع برای بیان احساس شادی برخوردارند.

### جدول ۲-۴ حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های شادی

تکرار در پیکره	حوزه مبدأ	تکرار در پیکره	حوزه مبدأ
۲	مسیر دارای مرتبه	۹۱	شیء
۲	مناسبت	۵۸	ماده
۲	دیوانگی	۳۰	عمل
۲	سرزندگی	۲۹	نور
۱	نیروی طبیعی	۱۷	نیرو
۱	بودن در بهشت	۹	مکان
۱	بنا	۸	پرواز کردن
۱	بند زنجیر	۶	سیالی در ظرف
۱	رایحه	۵	گرما
۱	رود	۵	انسان
۱	(رویش) گیاه	۴	نوشیدنی سکرآور
۱	زمان	۳	ظرف
۱	مایع داغ	۳	شیرینی
۱	منع سرما	۳	بازبودن
۱	شکفتن	۲	جانور
۱	آب	۲	رنگ
		۲	نوشته



## ۳-۴ مقایسه استعاره‌های شادی در انگلیسی و فارسی

کووچش (۱۹۹۱) و لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) به بررسی نگاشت‌نام‌های حوزه شادی در زبان انگلیسی پرداخته‌اند. در ادامه ابتدا به نقل از کووچش (۲۰۰۰) فهرستی از این نگاشت‌نام‌ها به همراه ترجمه و نمونه‌ای از آن در جدول ۳-۴ ارائه خواهد شد و سپس به مقایسه نگاشت‌نام‌های حوزه شادی در زبان فارسی و انگلیسی خواهیم پرداخت.

جدول ۳-۴: فهرست نگاشت‌نام‌های انگلیسی

We had to cheer him <i>up</i>	HAPPINESS IS UP	[شادی بالا است]
That was <i>heaven on earth</i> .	HAPPINESS IS BEING IN HEAVEN	[شادی بودن در بهشت است]
I was <i>six feet off the ground</i> .	HAPPINESS IS BEING OFF THE GROUND	[شادی فاصله داشتن از زمین است]
She <i>brightened up</i> at the news.	HAPPINESS IS LIGHT	[شادی نور است]
He was <i>alive</i> with joy.	HAPPINESS IS VITALITY	[شادی سرزندگی است]
That <i>warmed</i> my spirits.	HAPPINESS IS WARMTH	[شادی گرما است]
It made me <i>feel great</i>	HAPPINESS IS HEALTH	[شادی سلامتی است]
He looks like <i>the cat that got the cream</i> .	A HAPPY PERSON IS AN ANIMAL THAT LIVES WELL	[انسان شاد حیوانی است که خوب زندگی می‌کند]
I was <i>tickled pink</i> .	HAPPINESS IS A PLEASURABLE PHYSICAL SENSATION	[شادی یک احساس جسمانی لذت بخش است]
He was <i>overflowing with joy</i> .	HAPPINESS IS A FLUID IN A CONTAINER	[شادی سیالی در ظرف است]

His feelings of happiness <i>broke loose</i>	HAPPINESS IS A CAPTIVE ANIMAL	[شادی حیوانی دریند است]
She was <i>overcome</i> by joy	HAPPINESS IS AN OPPONANT IN A STRUGGLE	[شادی حریفی در نزع است]
I was <i>drunk</i> with joy.	HAPPINESS IS A RAPTURE/HIGH	[شادی مخمورشدن است]
They were <i>crazy</i> with happiness.	HAPPINESS IS INSANITY	[شادی دیوانگی است]
He was <i>swept off his feet</i> .	HAPPINESS IS A NATURAL FORCE	[شادی نیرویی طبیعی است]

همان‌طور که مشاهده می‌شود نگاشت‌نام‌های شادی در پژوهش کووچش که با مفهوم «بالا» در ارتباط هستند، عبارتند از: [شادی بالا است]، [شادی فاصله داشتن از زمین است]، [شادی بودن در بهشت است]. نگاشت‌نام‌های حوزه شادی در پژوهش حاضر که با مفهوم جهتی «بالا» در ارتباط هستند و در جدول ۴-۱ آورده شده‌اند، عبارتند از: [شادی بودن در بهشت است] و [شادی پرواز کردن است]. با مقایسه این نگاشت‌نام‌ها می‌توان دریافت که استعاره‌های شادی در سطح عام، تقریباً جهانی‌اند ولی بر حسب نوع زبان و فرهنگ می‌تواند تفاوت‌هایی را نشان دهد (به بخش ۳-۳ مراجعه شود). بنابراین شاید بتوان گفت که استعاره [شادی بالا است] یک نوع استعاره عام است که صورت‌های خاص این استعاره در فارسی [شادی بودن در بهشت است] و [شادی پرواز کردن است] و در انگلیسی [شادی فاصله داشتن از زمین است] و [شادی بودن در بهشت است] می‌باشد.

همچنین کووچش (۱۹۹۱) در مطالعات خود در باب استعاره‌های شادی به سه نگاشت‌نام برجسته در زبان انگلیسی اشاره می‌کند. این سه نگاشت‌نام عبارتند از: [شادی بالا است]، [شادی نور است] و [شادی

سیالی در ظرف است] (پیرزاد، پاژخ و حیاتی، ۲۰۱۲: ۲۰۱). این در حالی است که بر اساس داده‌های پیکره‌ای در پژوهش حاضر تنها نگاهت‌نام [شادی نور است] با ۲۹ مورد تکرار از نگاهت‌نام‌های پرکاربرد در زبان فارسی محسوب می‌شود و نگاهت‌نام [شادی سیالی در ظرف است] با ۶ مورد وقوع جزء استعاره‌های کم بسامد به حساب می‌آید. همچنین نگاهت‌نام [شادی بالا است] که در پژوهش حاضر به دو صورت خاص [شادی بودن در بهشت است] و [شادی پرواز کردن است] هر کدام با یک مورد بسامد از نگاهت‌نام‌های کم بسامد در زبان فارسی به شمار می‌آیند.

استعاره‌های مفهومی [شادی نیرویی طبیعی است]، [شادی سرزندگی است]، [شادی گرمی است]، [شادی مخمور شدن است] و [شادی دیوانگی است] در هر دو زبان فارسی و انگلیسی وجود دارد. البته هم‌تراز با استعاره مفهومی [شادی مخمور شدن است] در زبان انگلیسی، استعاره مفهومی [شادی نوشیدنی سکرآور است] در پیکره یافت شد. بنابراین می‌توان گفت که استعاره مفهومی [شادی مخمور شدن است] در هر دو زبان مشترک است.

نگاشت‌نام‌های [شادی حریفی در نزاع است]، [شادی یک احساس جسمانی لذت‌بخش است]، [شادی سلامتی است]، [شادی حیوانی در بند است] و [انسان شاد حیوانی است که خوب زندگی می‌کند] در داده‌های پیکره‌ای پژوهش حاضر وجود نداشته‌است.

اگرچه استعاره مفهومی [انسان شاد حیوانی است که خوب زندگی می‌کند] در داده‌های پیکره‌ای این پژوهش یافت نشده، اما نگارندگان براساس شم زبانی خود به عنوان فارسی زبان معتقدند این ساخت استعاری در زبان فارسی وجود دارد، با این تفاوت که نوع حیوانات به کار برده شده و نوع علائق آن حیوانات در دو زبان متفاوت است. برای مثال می‌توان عبارت انگلیسی "مثل گربه‌ای که خامه پیدا کرده خوشحاله." را با عبارت فارسی "مثل خری که بهش یونجه داده باشن خوشحاله." مقایسه کرد. این، خود تائید دیگری است بر این نکته که استعاره‌های مفهومی در سطح عام جهانی‌اند و در سطح خاص است که استعاره‌ها در زبان‌های مختلف تفاوت پیدا می‌کنند (به بخش ۳-۳ مراجعه شود).

نگاشت نام [شادی حیوانی در بند است] نیز در داده‌های پیکره‌ای پژوهش حاضر مشاهده نشده است. اما دو حوزه مبدأ «حیوان» و «در بند بودن/اسارت» هر کدام به صورت جداگانه در پیکره یافت شده‌اند.

بدین معنی که استعاره‌های مفهومی [شادی جانور است] و [شادی بند/زنجیر است] در داده‌های پیکره‌ای فارسی وجود داشته‌اند، ولی استعاره مفهومی [شادی حیوانی در بند است] در پیکره وجود نداشته است.

#### ۵- نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف معرفی نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ احساس شادی نوشته شد. پس از جستجو در پیکره، نگارندگان موفق به استخراج ۲۹۷ عبارت حاوی استعاره‌های مفهومی حوزه شادی شدند و بر مبنای این عبارت‌ها ۳۳ نگاشت‌نام و ۳۳ حوزه مبدأ یافت شد. این نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ در جدول ۴-۱ و ۴-۲ همراه با بسامد وقوعشان ارائه شده‌اند. سپس پربسامدترین نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ تعیین شد. نگاشت‌نام [شادی شیء است] با ۹۱ مورد بسامد وقوع، از پربسامدترین نگاشت‌نام‌ها بود و نگاشت‌نام‌های [شادی ماده است] با ۵۸ مورد وقوع، [شادی عمل است] با ۳۰ مورد، [شادی نور است] با ۲۹ مورد و [شادی نیرو است] با ۱۷ مورد بسامد وقوع در رده‌های بعدی قرار داشتند. پربسامدترین حوزه‌های مبدأ نیز عبارت بودند از: «شیء»، «ماده»، «عمل»، «نور» و «نیرو» به ترتیب با ۹۱، ۵۸، ۳۰، ۲۹ و ۱۷ مورد بسامد وقوع.

پس از تعیین نگاشت‌نام‌ها و حوزه‌های مبدأ برای بیان و ساخت استعاری احساس شادی در زبان فارسی، نگارندگان به مقایسه استعاره‌های حوزه شادی در انگلیسی و فارسی پرداختند که در بخش ۴-۳ به تفصیل شرح داده شد. فهرست نگاشت‌نام‌های حوزه شادی در زبان انگلیسی برگرفته از کووچش (۱۹۹۱) و لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) بود (کووچش، ۲۰۰۰: ۲۴). کووچش (۱۹۹۱) در مطالعات خود در باب استعاره‌های شادی به سه نگاشت‌نام برجسته‌ی [شادی بالا است]، [شادی نور است] و [شادی سیالی در ظرف است] در زبان انگلیسی اشاره می‌کند و این در حالی است که برجسته‌ترین نگاشت‌نام‌ها در داده‌های پیکره‌ای پژوهش حاضر در زبان فارسی عبارتند از: [شادی شیء است]، [شادی ماده است]، [شادی عمل است] و [شادی نور است].

نگاشت‌نام [شادی نور است] در هر دو زبان انگلیسی و فارسی از نگاشت‌نام‌های برجسته به شمار می‌آید. نگاشت‌نام‌های [شادی بالا است] و [شادی سیالی در ظرف است] گرچه در پیکره وجود داشتند اما از نگاشت‌نام‌های برجسته پیکره محسوب نمی‌شوند. البته نگاشت‌نام [شادی بالا است] در پژوهش حاضر به

صورت [شادی پرواز کردن است] و [شادی بودن در بهشت است] نمود پیدا کرد که هر کدام به نوعی با مفهوم جهتی «بالا» در ارتباط هستند. نگاشت‌نام‌های [شادی بالا است]، [شادی فاصله داشتن از زمین است] و [شادی بودن در بهشت است] در زبان انگلیسی و نگاشت‌نام‌های [شادی پرواز کردن است] و [شادی بودن در بهشت است] در زبان فارسی مؤید این مطلب هستند که استعاره‌ها در سطح عام تقریباً جهانی‌اند و در سطح خاص بر حسب نوع زبان متفاوتند. بنابراین، استعاره [شادی بالا است] نوعی استعاره عام است که در سطح خاص، این استعاره به صورت‌های [شادی فاصله داشتن از زمین است]، [شادی پرواز کردن است] و [شادی بودن در بهشت است] نمود پیدا می‌کند.

با توجه به ۳۳ نگاشت‌نام یافت‌شده از پیکره پژوهش حاضر و مقایسه آن با ۱۵ مورد نگاشت‌نام معرفی شده توسط کووچش و لیکاف و جانسون در حوزه شادی در زبان انگلیسی در می‌یابیم که این دو زبان در هشت مورد از نگاشت‌نام‌ها با یکدیگر مشترکند.

#### کتابنامه

- افراشی، آزیتا. (۱۳۹۰). «روندهای جدید پژوهش در معنی‌شناسی شناختی». در: پژوهشگران. ش ۲۲ و ۲۳. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افراشی، آزیتا، حسامی، تورج و سالاس، بتاتریس. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی جهتی در زبان‌های اسپانیایی و فارسی». مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس. د. ۳، ش. ۴، صص. ۱-۲۳.
- افراشی، آزیتا و مقیمی زاده، محمد مهدی. (در دست چاپ). «استعاره‌های مفهومی شرم در شعر کلاسیک فارسی». در: مجله علمی پژوهشی زبان شناخت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Afrashi, A. (2011). "Semantic analysis of shame in Persian: a cognitive and cultural perspective". In *Emotion-Cognition-Communication Conference*, Sorbonne and University of Cyprus.
- Al-Abed Al-Haq, F. & El-Sharif, A. (2008). "A comparative study for the metaphor use in happiness and anger in English and Arabic". In *US-China Foreign Language*, Vol.6, No.11. pp 1-19. El Monte, CA: David Publishing Company.
- Apresjan, V. (1997). "Emotion metaphors and cross-linguistic conceptualization of emotions". In *Cuadernos de Filologia Inglesa*, Vol. 6, No.12, pp. 179-195.

- Chen, P. (2010). "A Cognitive Study of Happiness Metaphors in English and Chinese Idioms". In *Asian Culture and History 2/2*, Vol. 2, No. 2, pp. 172-175. Canada: Canadian Center of Science and Education.
- Darwin, Ch. (1872). *The Expression of Emotions in Man and Animals*. London: John Murray.
- Deignan, A. (1995). *Collins Cobuild Guides to English 7: Metaphor*. London: HarperCollins.
- \_\_\_\_\_. (2005). *Metaphor and Corpus Linguistics: Converging Evidence in Language and Communication Research*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publication Company.
- Grady, J. E. (2007). "Metaphor". In Geeraerts, D. and Cuyckens, H. (eds.), *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics* (pp.188-213). Oxford: Oxford University Press.
- Halliday, M. A. K. (1998). "On the grammar of pain". In J. Webster (ed.), *The Collected Works of M.A.K. Halliday, in Studies in English Language*, vol. 7. London and New York: Continuum.
- Kövecses, Z. (1991). "Happiness: A definitional effort". In *Metaphor and Symbolic Activity*, Vol. 6, No.1, pp. 29-47.
- \_\_\_\_\_. (2000). *Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling*. Cambridge: Cambridge University Press.
- \_\_\_\_\_. (2002). *Metaphor: A Practical Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_. (2005). *Metaphor in Culture: Universality and Variation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- \_\_\_\_\_. (2008). "The conceptual structure of happiness". In Tissari, H., Pessi, A. & Salmela, M. (eds.), *Happiness: Cognition, Experience, Language* (pp. 131-143). Budapest: Eotvos Lorand University.
- \_\_\_\_\_. (2010). *Metaphor: A practical introduction* (2nd.Edition). Oxford: Oxford University Press.
- Kringelbach, M. L. & Berridge, K. C. (2009). "Towards a functional neuroanatomy of pleasure and happiness" In *Trends in Cognitive Sciences*, 13:11, pp. 479-87. Cambridge: Cell Press.
- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago and London: The University of Chicago Press.

- Liu, X.&Zhao, G. (2013). "A comparative study of emotion metaphors between English and Chinese" In *Theory and Practice in Language Studies*, Vol. 3, No. 1, pp. 155-162. UK, British Virgin Islands: Academy Publisher.
- Lewis, M. (1997). "The self in Self-conscious emotions" In S. G. Snodgrass and R. L. Thompson (eds.), *Annals of the New York Academy of Sciences, Vol. 818, The Self Across Psychology*. New York: The New York Academy of Sciences.
- Mlot, C. (1998). "Probing the biology of emotion" In *Science*, 280, 1005-1007.
- Nesse, R. M. (2004). "Natural selection and the elusiveness of happiness". In *Philosophical Transactions of the Royal Society of London, Series B, Biological Sciences*, 359:1449, pp.1333-47.
- Partington, A. (2003). *The Linguistics of Political Argument*. London: Routledge.
- Pirzad, Sh., Pazhakh, A. & Hayati, A. (2012). "A comparative study on basic emotion conceptual metaphors in English and Persian literary texts". In *International Education Studies*, Vol.5, No.1, pp. 200-207. Canada: Canadian Center of Science and Education.
- Sroufe, L.A. (1997). *Emotional Development*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Steen, G. J. (1994). *Understanding Metaphor in Literature: An Empirical Approach*. London: Longman.
- Stefanowitsch, A. (2004). "Happiness in English and German: A metaphorical pattern analysis". In Achard, M. & Kemmer, S. (eds), *Language, Culture, and Mind* (pp. 137-149). Stanford: University of Stanford, CSLI center for the study of Language and Information.
- Steiner, J. E., et al. (2001). "Comparative expression of hedonic impact: Affective reactions to taste by human infants and other primates". *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, 25:1, 53-74.
- Sweetser, E. (1990). *From Etymology to Pragmatics: Metaphorical and Cultural Aspects of Semantic Structure*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Theodoropoulou, M. (2008). "Metaphors of joy and happiness in Greek: The case of positive emotions". In Lascaratou, C., Despotopoulou, A. & Ifantidou, E. (eds.), *Reconstructing Pain and Joy* (pp. 50-75). Cambridge: Cambridge Scholars Publishing.
- Tissari, H. (2008). "Happiness and Joy in Corpus Contexts: A cognitive semantic analysis". In Tissari, H., Pessi, A. & Salmela, M. (eds.). *Happiness: Cognition, Experience, Language*, 144-174. Helsinki: University of Helsinki.
- Tognini-Bonelli, E. (2001). *Corpus linguistics at work*. John Benjamins Publishing Company: Amsterdam and Philadelphia.

- Turner, M. (1991). *Reading Minds: The Study of English in the Age of Cognitive Science*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Wierzbicka, A. (2009). "Language and Metalanguage" *Emotion Review*, Vol:1, No:1, Published by Sage: <http://www.sagepublications.com>.
- Yu, N. (1995). "Metaphorical expressions of anger and happiness in Chinese and English" *Metaphor and Symbolic Activity*, 10(2), 59-92. London: Routledge.

#### فهرست کتاب‌های مورد استفاده در پیکره

- ابراهیمی، نادر. (۱۳۴۵). *بار دیگر شهری که دوست می‌داشتیم*. اراک: طرفه.
- افغانی، علی محمد. (۱۳۴۰). *شوهر آهوخانوم*. تهران: چاپ اتحاد.
- اسلامی ندوشن، محمد علی. (۱۳۶۹). *سخن‌ها را بشنویم*. تهران: انتشار.
- آل احمد، جلال. (۱۳۳۷). *تات‌نشین‌های بلوک زهره*. تهران: فردوس.
- پزشک زاد، ایرج. (۱۳۴۹). *دایی جان ناپلئون*. تهران: صفی علیشاه.
- چوبک، صادق. (۱۳۴۴). *انتری که لوطیش مرده بود*. تهران: نشر کتاب‌های جیبی.
- حجازی، محمد. (۱۳۰۸). *پریچهر*. تهران: مطبعه باقرزاده.
- دانشور، سیمین. (۱۳۴۸). *سروشون*. تهران: خوارزمی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۳). *چرند و پرند*. تهران: نشر کتاب‌های جیبی.
- کسروی، احمد. (۱۳۱۹). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر.
- گلستان، ابراهیم. (۱۳۵۴). *اسرار گنج دره جنی*. تهران: آگاه.
- محمود، احمد. (۱۳۵۷). *همسایه‌ها*. تهران: امیرکبیر.
- نفیسی، سعید. (۱۳۱۷). *ستارگان سیاه*. تهران: علی جعفری.
- هدایت، صادق. (۱۳۱۵). *بوف کور*. تهران: جاویدان.